

تاریخ اجمالی هنر هند

● فریبا گل محمدی

● هنر هند
● روی. س. کراون
● انتشارات تیمز و هودسون



افسانه‌ای، اشکال هندسی، شاخ و برگ درختان، اشکال ابتدایی انسانی و غیره طرح‌های اصلی این مهرها را تشکیل می‌دهند. از دیگر صنایع این منطقه سفال، گل پخته زیورآلات و مجسمه‌سازی بسیار مطرح بوده‌اند. نیم تنه مردی از هاراپا از سنگ قرمز که اکنون در موزه ملی هند در دهلی‌نو نگهداری می‌شود یکی از شاخص‌های مجسمه‌سازی این دوره است.

مجسمه دیگری که زن جوانی را نشان می‌دهد به عنوان مجسمه یک رقص شناخته شده است. این مجسمه مسی متعلق به ۲۳۰۰ - ۱۷۰۰ قبل از میلاد از منطقه موهنجدارو در جنوب هاراپا به دست آمده و تصویر دقیقی از جواهرات مورد استفاده زنان آن دوره را به تصویر کشیده است. شکل آرایش سر، گردنبند، انگوهای متعدد، پابند یا خلخال همگی در آن زمان به گونه‌ای که در مجسمه وجود دارد استفاده می‌شدند.

بخش دوم نیز به جنبه‌های مذهبی، هنری و تاریخی این منطقه پرداخته است. نخستین آثار هنر تصویری در شبه قاره هند نقاشی‌های ابتدایی بر دیوار غارهاست که در هند مرکزی و در بوپال (Bhopal) به وفور به چشم می‌خورد. تصاویر حیوانات، انسان‌ها و صحنه‌های شکار از جمله مضامین این تصاویر است. رنگ‌های طبیعی قرمز و ارغوانی، کرم خاکی، صورتی، آبی، نارنجی، سبز، سفید و زرد در این نقاشی‌ها مورد استفاده بوده‌اند. بعد از مدتی آرامگاه‌ها و معابد نیز

علیرغم پیچیدگی و گستردگی کار در جمع‌آوری اطلاعات هنری و تاریخی این منطقه، نویسنده کتاب به شکلی مجمل اما مفید به شرح تاریخ هنر هندوستان که مهد فرهنگ و هنری کهن و غنی است پرداخته است. نویسنده در حقیقت ردپای محققین و باستان‌شناسانی را دنبال کرده است که سعی در طبقه‌بندی اساسی و علمی تاریخ هنر منطقه را داشته‌اند و پایه و اصول این طبقه‌بندی، یافته‌ها و شواهد موجود و همچنین مطالعه قیاسی اسناد و مدارک حاصل بوده است.

یکی از کتب مرجعی که در این زمینه مورد استفاده نویسنده بوده، «تاریخ هنر هند و اندونزی» اثر آناند کومارا سوامی است که در سال ۱۹۲۷ به طبع رسیده است. اگرچه تاریخ چاپ کتاب چندان تازه نیست اما هر محقق یا نویسنده‌ای که دستی بر تاریخ هنر هند داشته است با نام این کتاب و نام نویسنده قابل آن آشناست و به جرأت می‌توان ادعا نمود که همگی آنان در انجام تحقیقات خود مرهون این مرد بزرگ هستند. کتاب حاضر به بررسی اجمالی تاریخ هنر هند پرداخته است، به تمدنی که در کناره دره سند و هزاران سال پیش آغاز شده است. شواهد باستان‌شناسی، اسطوره‌های باستانی و حماسی، متون ودایی (۹۰۰ - ۱۵۰۰ ق.م)، مهرها و کتیبه‌ها همگی منابع مستدل این تحقیق بوده‌اند.

بخش نخست کتاب به تحلیل تمدن هاراپا (Harapa) پرداخته است که براساس حفاری‌های دکتر

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کانینگهام (۱۹۲۱)، پدر باستان‌شناسی هند، پایه‌ریزی شده است. این منطقه در حقیقت بقایایی است که از یک شهر باستانی به جا مانده و آثار معماری آن حاکی از دانش ساخت و طراحی، بناست که فرهنگ غنی آن دوره را متصور ساخته است. حوضچه بزرگ یا حمام بزرگ، دژ رفیع و مستحکم، و سایر قسمت‌های این شهر که بر روی تپه‌ای رفیع بنا شده‌اند اولین تمدن کناره دره سند در پایان هزاره سوم قبل از میلاد را شکل دادند. آجر پخته ماده اولیه ساخت این بناها بود که براساس نقشه‌ای از پیش تعیین شده و شهرسازی پیشرفته‌ای، معماری منطقه را غنی ساخته بود. این شهر با ۲۵۰۰ نفر ساکن آن دارای فاضلاب بهداشتی و چوبی‌های مخصوص جمع‌آوری آب باران بوده است که پیشرفت و تمدن آن زمان را شهادت می‌دهد.

این مردم از لحاظ ابعاد دیگر هنری نیز غنی بودند و مهرهای به جای مانده از این دوره با نقوش متنوع حیوانات به خصوص حیوانات چند سر که حاکی از نشانه‌های مذهبی آنها می‌باشد، گواه این مدعاست. طرح گاو، بز، گوزن، ببر، فیل، تمساح، گاو تکشاخ



ساخته شدند و سلاح‌های مختلف و وسایل زندگی به منظور رفاه بیشتر، تدریجاً ابداع گردیدند.

طبقات اجتماعی آنان را به ترتیب، کشیشان یا برهمنان، شاهان و قانونگذاران، تاجران و بازرگانان و کارگران تشکیل می‌دادند. خارج از این طبقه‌بندی مردمی بودند که به هیچ طبقه‌ای تعلق نداشتند و به نام نجس‌ها (Dalits) معروف بودند و بیشتر ضعیفاً و بردگان را شامل می‌شدند. کتاب ریگ ودا که شامل آیات ودایی است، نخستین کتاب مذهبی و کاربردی این مردم بوده است. ایندرا (Indra) خدای بهشت و خدای جنگاوری است و بر فیل سفیدی سوار بوده است، وارونا (Varuna) که در مقامی بعد از ایندرا می‌باشد خدای خالق قوانین طبیعت (ریتا Rita) است. آگنی (Agni) خدای آتش، سوریا (Surya) خدای خورشید و یاما (Yama) خدای مرگ از جمله خدایان مذکور در ریگ ودا هستند. (۹۰۰ تا ۶۰۰ ق.م). بعد از قرن دهم برهمنان (Brahmanas) و اوپانیشادها (Upanishads) بسیار مطرح شدند. زبان سنسکریت (زبان ریگ ودا) قدیمی‌ترین زبان منطقه، از زبان کهن هند و اروپایی برگرفته شد و اشعار حماسی هند، رامایانا (Ramayana) و ماهابهاراتا (Mahabharata) نیز به این زبان مکتوب شدند. (۴۰۰ ق.م). ماهابهاراتا از طولانی‌ترین اشعار دنیا به شمار می‌رود که شامل ۹۰۰۰۰ بیت است و مضمون آن داستان‌های کوتاه و اسطوره‌ها و افسانه‌هاست. با آغاز

دوره مسیحیت شکل ودایی با برهمنیسم (آیین برهمنی) جایگزین شد و بعد از قرن اول بعد از میلاد اوپانیشادها به شکل ودانتا (Vedanta) تدوین شدند. ودانتا به مفهوم «پایان ودا» است و آیین آن به نام برهما سوترا (Brahma Sutra) آیین هندویی است که هم اکنون نیز در شبه قاره وجود دارد.

آیین باکتی (Bhakti) یا عشق خالص به خدا، یوگا (Yoga) یا شیوه دستیابی به حق از طریق تمرکز و کنترل اعضای بدن و احساسات ذهنی، همگی از جمله عناصر مهم آیینی این دوره بودند که پا به عرصه حضور نهادند. آیین بودایی توسط سیدارتا تأسیس گردید. او که در سال ۵۵۶ قبل از میلاد در خانواده‌ای از طبقه شاهان در تپه‌های نیپال به دنیا آمد پس از رسیدن به مقام بودا لقب شاکیا مونی را حائز گردید، چرا که لقب خانوادگی او شاکیا Shakyia بود.

جاینیسم (Jainism) از دیگر ادیانی است که قبل از رسیدن آریایی‌ها به منطقه شکل گرفت و اساس و مفهوم آن را تقدس زندگی و اهیمنسا (ahimsa) یا عدم خشونت شکل می‌داد. «ماهاویرا» (Mahavira) یا «روح بزرگ»، موسس این آیین بود. (۵۹۹-۵۲۷ ق.م).

این‌گونه ادیان متعدد از جمله انگیزه‌ها و الهامات ابعاد مختلف هنر آن دوره بودند و تأثیر آنها را بر جنبه‌های مختلف هنر می‌توان دید.

بخش سوم کتاب به بررسی دوره موریایا پرداخته

است، سلسله‌ای که موسس آن چاندراگوپتا موریایا (Chandra Gupta Maurya)، حاکم سراسر شمال شرق هند، شمال غرب آن و کناره دره سند بود. پس از او بیندوسارا (Bhindusara) فرزند چاندرا سلطنت خود را تادکن و در جنوب تا میسور، بسط داد و پس از آن حکومت را به آشوکا سپرد که از جمله موفق‌ترین و قدرتمندترین حاکمان منطقه بود.

آشوکا پس از خونریزی و قتل عام مردم در جنگ کالینگا انقلابی در خود ایجاد نمود که پشیمانی او را از اعمال خشونت بارش در این جنگ به دنبال داشت. پس از آن به ترویج آیین برابری و صلح پرداخت، هشتاد و چهار هزار معبد (Stupa) بنا نمود که به روحانیون مکتب آجیویکا تعلق داشت همچنین معابد و پرستشگاه‌های (chaitya) دیگری بنا نمود که مبلغین آیین بودایی در آن به عبادت و تمرکز می‌پرداختند. کتیبه‌های بسیاری بر روی ستون‌های بلند و دیواره غارها و تخته‌سنگ‌ها حکاکی شده بودند که آیین برابری و برادری و نیکوکاری و روش نیکوی زندگی به منظور رسیدن به رستگاری را به مردم عرضه می‌داشتند.

ساخت مجسمه‌های سنگی و صیقل دادن سطح آنها از این دوره آغاز شد و سرستون‌های آنها از شهرت بسیاری برخوردار گردید. معروف‌ترین آنها سرستون سارنات (Samath) است که در حال حاضر نماد اصلی

پرچم این کشور است. سارنات نخستین محلی بود که بودا در آن به موعظه پرداخت و چرخ قانون را به حرکت درآورد (wheel of law - Darnachakra) بنابراین خود محل نیز مفهومی نمادین دارد. این چرخ در خاورمیانه به مفهوم چرخ آسمانی یا کمال مطلق و دانش است. در این سرستون چرخ قانون در توالی با چهار حیوان قرار دارد، که نمایانگر چهار جهت اصلی هستند. شیری که بر روی سرستون تعبیه شده در حقیقت خود بوداست که سخنان نافذش همچون غرش شیر در سراسر جنگل پیچیده و به گوش جهانیان رسیده است. نفوذ ایران، روم و یونان در نظام حکومتی، معماری و ابعاد مختلف هنر این منطقه کاملاً محسوس است. نیم تنه‌ها و مجسمه‌های صیقل یافته این دوره به عنوان مثال مجسمه الهه‌ها و خدایان، یا کشاها (روح مذکر زمین)، یا کشی‌ها (روح مؤنث زمین) در زمره معروف‌ترین آثار سنگی این دوره هستند و نشان‌دهنده پرستش این خدایان و بعضاً استفاده آنان به عنوان نگهبانان زمین و جواهرات می‌باشد. معابدی که به صورت غار در دل کوه کنده شده‌اند در بیهار (Bihar) و تپه‌های بارابار (Barabar) به وفور ساخته شده و هم اکنون نیز وجود دارند.

بخش چهارم کتاب به بحث و بررسی سلسله شونگا پرداخته است. در سال ۱۸۵ قبل از میلاد آخرین امپراتور موریا به دست یکی از ژنرال‌های خود کشته شد و سلطنت به سلسله شونگاها واگذار گردید. در خلال ۱۱۲ سال حکومت آن‌ها برهنسیسم جایگزین بودیسم شد که البته این به آن مفهوم نیست که آیین بودایی کاملاً محو شده باشد، حتی زیباترین آثار معماری به جای مانده از شونگاها مربوط به بوداییان است. غارهای کنده شده در دل کوه که به منظور عبادت بوداییان ساخته شده بود چایتیا (chaitya) نام داشت و تاریخ آنها به اواسط قرن دوم قبل از میلاد بازمی‌گردد. حدود هزار و دویست غار متعلق به بوداییان، جین‌ها و برهمنان در دل کوه‌ها جای گرفته بود. نقاشی‌های معروف دیواره‌های غارهای آجانتا متعلق به این دوره است. نمای بیرونی این غارها نیز که شکلی نعل اسبی داشتند با کنده‌کاری‌های زیبایی تزیین شده و ستون‌های عظیمی در سردر آنها و همچنین داخل آنها تعبیه شده بود.

حجاری‌های این دوره بر روی دیوارها، سردرها، ستون‌ها و حصارهای سنگی اطراف معابد از شهرت بسیاری که اکثراً دارای مضامین بودایی و زندگی بودا و رسیدن او به اشراق و داستان‌های مربوط به او می‌باشد. معابد بهار هوت (Bharhut)، کارلی (karli)، باجا (Bhaja) و سانچی در زمره معروف‌ترین معابد دوره شونگا است.

بخش پنجم کتاب سلسله آندرا (Andra) را تشریح می‌کند که در دکن به قدرت رسیدند. این قبیله که در اصل ساتاواها‌ناها (Satavahanas) بودند و از مرکز و غرب هند آمده و در دکن مستقر شده بودند، در دوره گوپتاها در کتاب پورانا به نام «آندرا» شناخته شده‌اند و آن منطقه را به نام خود نام نهادند و از آن پس مرکز آنها آندراپرادش نام گرفت. در این دوره معابدی که به دست آشوکا ساخته شده بود، مورد استفاده قرار می‌گرفت و



البته در برخی از آنها تغییراتی صورت پذیرفت.

از آن جمله معبد سانچی (Sanchi) در اواسط قرن دوم قبل از میلاد بازسازی شد و وسعت بیشتری یافت و همچنین حصاری چوبی (Vedika) در اطراف آن تعبیه شد. راهروی مدوری که در اطراف این بنای دایره‌ای شکل وجود دارد نیز در این زمان به بنا افزوده شده است. گنبد چتری شکل (chatra) سه طبقه‌ای که بر روی گنبد اولیه آن وجود دارد، در واقع سه «چوهر اصلی» آیین بودایی یعنی بودا، قانون او و اجتماع روحانیون این مذهب می‌باشد. جزییات چهار دروازه زیبایی که در این دوره به این بنا افزوده شده است با مجسمه‌های کنده‌کاری شده بر روی آن‌ها قسمت اعظم این بخش از کتاب را تشکیل می‌دهد. معبد بارهوت (Bhorhat) نیز همچون سانچی در این دوره تکامل یافته است. کنده‌کاری بر روی عاج همچون کنده‌کاری‌های روی حصارها و همچنین دروازه‌های این معابد از شکوه بسیاری برخوردار است. مجسمه‌سازی نیز در این دوره پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشت و آغاز تمثال‌سازی و ساختن شمایل بودا از این زمان آغاز شد. نمونه آن مجسمه سر بوداست که به قرن سوم بعد از میلاد تعلق دارد و از مرمر ساخته شده است.

بخش ششم، دوره کوشان را بررسی می‌کند که مناطق قندهار و ماتورا را در بردارد. این دوره در حقیقت آغاز ایجاد یک جو باز مذهبی بود و شاخه‌های هینایانا

(Hinayana) و ماها یانا در (Mahayana) آیین بودایی آزادانه مطالعه می‌شدند. در این زمان با توجه به گسترش معابد بودایی نیاز به تمثال بودا کاملاً مشهود بود و از طرفی ارتباطات بازرگانی با رم چین ایران و بسیاری مناطق رونق یافته بود، بنابراین در سبک مجسمه‌سازی این دوره به خصوص تمثال‌های بودا تأثیر سبک رومی و ایرانی بسیار محسوس است.

این قبیله در حقیقت قبیله یوهچی (Yueh-chi) بودند که در سال‌های نخست قرن اول بعد از میلاد در قندهار ساکن شدند. کادفیسس (Kadphises) نخستین شاه هندی بود که به ضرب سکه طلا پرداخت و در امور تجاری از آنها استفاده نمود، این مورد تقلیدی از سکه‌های رومی یعنی دناری (denarii) بود.

پس از آن که کاتشیکا به سلطنت رسید این سلسله به حداعلاقی قدرت و هنر رسید و در واقع او دومین آشوکای هند بود که تحولات هنری و منطقه‌ای بسیاری را ایجاد نمود. تأثیر نفوذ روم و ایران و غرب به حدی است که گاهی اوقات ظاهر مجسمه‌ها در حالتی بسیار مشابه مجسمه‌های رومی، یونانی و ایرانی هستند. مضمون حجاری‌های دیوارها اکثراً داستان‌های زندگی بوداست اما با شکلی دقیق تر و زیباتر از دوره‌های پیشین.

در بخش هفتم نقطه عطف هنر و تاریخ هند یعنی دوره گوپتا تشریح می‌شود که در تاریخ ۳۲۰ بعد از میلاد

ازبکستان

■ تصحیح: یوهان کالتر و ماگارتا پاولوی
■ انتشارات هانسبورگ ماپر
■ اشتوتگارت ۱۹۹۵



پا به عرصه وجود نهاد. مرکز این سلسله پتلی پوتراست (Pataliputra) و این دوران در هنر هند به عنوان دوره کلاسیک شناخته شده است. مجسمه‌های بودا در سازنات و ماتورا از اهم مجسمه‌های این دوره هستند که هر یک دارای سبک جداگانه‌ای می‌باشند و بودا را در حالت ایستاده و نشسته و با حالات مختلف دست (Mudra) که هر کدام مفهومی نمادین دارند به تصویر کشیده است. مس و سنگ اجزاء اصلی این مجسمه‌ها را تشکیل می‌دادند. هاله دایره‌ای شکلی که در پشت سر بودا ساخته شده است از ابداعات این دوره است که دارای تزئینات گل و برگ می‌باشد. مجسمه‌هایی که به دیوار غارها متصل هستند و همچنین مجسمه‌های کوچک و بزرگ ویشنو با تجلی‌های متعدد او (اوتار avatar) به وفور از این دوره به جا مانده است. مجسمه‌های ایزه گنگا (Ganga) و جمنا (Jamuna) بر سر در معابد و همچنین برهما (Brahma) که از خدایان هندویان هستند از دیگر نمونه‌های هنر این دوره به شمار می‌رود. غارهای آچانتا و نقاشی‌های دیواری آن و غارهای معروف با حجاری‌های متعدد آن نیز یادگار این زمان است.

بخش هشتم به پالاواها (Pallavas) اختصاص دارد که ساکن جنوب شرقی هند بودند. آنها که اساساً بودایی بودند به آیین برهمنی تغییر مذهب دادند (قرن پنجم قبل از میلاد). حجاری‌های دیواری معابد دارای مضامین برهمنی همچون جاری شدن رودگنگ بر زمین، تجلیات ویشنو، اشکال چرخ و کالسکه‌ها که معرف مرکب خدایان است (رات Rath)، می‌باشد که از شکوه بسیاری برخوردارند. معابد زیبا با برج‌های بلند از ویژگی‌های این دوره است. مجسمه‌های سنگی و برنزی خصوصاً برنزه‌های چولا (chola) که اوتارها یا تجلیات ویشنو و اشکال پارواتی (parvati) و همچنین گانشا (Ganesha) را به تصویر کشیده‌اند به عظمت هنر این دوران افزوده است، رقص شیوا (Dance of Siva) زیبا ترین نمونه آنهاست که قدرت جهانی رقص خدای نابودکننده را به تصویر می‌کشد.

بخش نهم قرون وسطی در شمال هند را شامل می‌شود که تاریخ آن به زمانی بین قرن ششم و شانزدهم بازمی‌گردد. در خلال این دوران بهترین آثار هنری برهمنی و بودایی در شمال هند خلق گردید و پس از مدتی آیین بودایی رنگ باخت و جای خود را به فرهنگ هندویی سپرد، فرهنگ و آیین هندویی نیز رفته رفته آب و رنگ هنر اسلامی را به خود گرفت. شاخه ماهایانا در آیین بودایی، عقاید تائترایی آیین هندویی (خدایان برهما، ویشنو و شیوا)، تجلیات گوناگون بودا، مرحله پیش از رسیدن به بودا، پادماپانی بودا (Padmapani) یعنی بودایی که گلی نیلوفر در دست دارد، آوالوکتساوارا (Avalokteshvara) یعنی سروری که به زمین نگاه می‌کند (یا بر زمین می‌درخشد)، آمیتابا (Amitabha) که همیشه در تاج آوالوکتساوارا به تصویر در می‌آید، همه و همه از جمله الهاماتی است که بر هنر این دوره مؤثر بوده‌اند. پیشرفت معماری معابد و نیز مجسمه‌سازی در آن‌ها در این دوره بسیار چشمگیر می‌باشد.

می‌پردازد. کالتر به سبک تخصصی خود یعنی جواهرات، کارهای فلزی، و سرامیک بیشتر پرداخته است. همچنین بخش مفصلی در مورد منسوجات توسط ماریا زرینکل Maria Zerrinckel به تحریر درآمده که شامل اطلاعات نوین در مورد بافت ایکات ikat است. این اطلاعات در طی بازدیدی از کارخانه ابریشم در مارجلان Margelan در سال ۱۹۹۴ کسب شده است. مطلع خاص این بخش مقاله‌ای مشترک است که قسمتی از مقاله درباره «سوزندوزی‌ها» توسط جیزلا دومروسکی Gisela Domb rowsky است و گلدوزی‌هایی را که پیش از این به معرض نمایش گذارده نشده بود - شامل تعدادی از گلدوزی‌های کلکسیون ریکمرز Rickmers - در برلن به نمایش گذاشته است. قسمت دیگر مقاله توسط جیزلا هلمک Gisela Helmecke ارائه شده که نهایت سعی خود را برای معرفی سوزندوزی‌های مدالیون بزرگ مصرف داشته است.

این کتاب در هدف خود یعنی قرار دادن عناصر فرهنگی جمهوری ازبکستان امروزه در دسترس عموم مردم، موفق بوده و کار را با وسعت نظر و تنوع به انجام رسانده است.

کتاب با متن آلمانی، در ۳۶۸ صفحه، با تصاویر رنگی و سیاه و سفید و همراه با کتابشناسی در سال ۱۹۹۵ منتشر شده است.

نمایشگاه بزرگ «ازبکستان: میراث جاده ابریشم» در سال ۱۹۹۵ در اشتوتگارت و برلن برپا شد و در پی آن کاتالوگ با تصاویر زیبا به زبان آلمانی منتشر گشت. کاتالوگ به سه بخش تقسیم شده است: ۱- دوران پیش از اسلام شامل قرون پیش از میلاد مسیح تا پیدایش اسلام در قرن هشتم میلادی ۲- دوران دوم تا پایان سلطنت تیموری در آغاز قرن شانزدهم میلادی، هنگامی که آسیای میانه مرکزی فرهنگی و سیاسی بوده است ۳- دوران حکومت خانجانی ازبک تا شروع قرن بیستم و مقاله‌ای متمم که وضع سیاسی، اقتصادی و اکولوژیکی فعلی کشور را تشریح می‌کند.

بخش اول متمرکز بر توضیحات باستان‌شناسی است در حالی که بخش دوم بر تاریخ هنر، معماری، سرامیک و کارهای فلزی تأکید می‌نماید. یوهان کالتر با تکیه بر نگارش بر روی سرامیک، تحقیقی در مورد «استقلال» هنر اسلامی آسیای میانه انجام داده است. تاریخ سیاسی و فرهنگی آسیای مرکزی، به خصوص از پیدایش اسلام تا شروع دوره تیموری، در ارتباط نزدیک با تاریخ سیاسی و فرهنگی مناطق همجوار جنوب و جنوب غربی خود یعنی افغانستان، خراسان، و ایران بوده است. اسناد نگاشته شده در همین زمان همچون «(شمال) افغانستان یا آسیای مرکزی»، «ایران یا آسیای مرکزی»، این ارتباطات تاریخی را تأیید می‌نماید.

بخش سوم به طور عمده به بررسی نژادی و قومی

است. یکی از هنر دوستان این دوره ابراهیم عادل شاه II از بیجاپور است که جز علاقه وافر به موسیقی، غشقی بسیاری به هنر نقاشی نیز داشت و این دو جلوهٔ زیبای هنر را در دوران سلطنت خود ارتقاء بخشید.

آخرین بخش کتاب به بررسی نقاشی پاهاری و راجستانی پرداخته است. تا قرن اول بعد از میلاد نقاشی‌ها صرفاً به عنوان تصاویری در متون مقدس به کار گرفته می‌شدند و اکثراً بر روی برگ درختان نخل که به ندرت ارتفاعی بیش از دو اینچ داشتند نقش می‌شدند. نمونه‌های آنها در بنگال و بیهار یا مضامین بودایی و از غرب هند با مضامین آیین جینی هم اکنون قابل دسترسی است. مکتب نقاشی هند غربی بر روی برگ نخل یا مضامین آیین جینی (Jain) توسط تاجران و کشتی‌سازان ثروتمند گوجارات بسط و توسعه داده شد و ساخت کتابخانه‌ها با متون مقدس به دست این قشر جامعه صورت پذیرفت. رنگ‌های آنها به طور کلی به قرمز، زرد، آبی، طلایی، سیاه و سفید محدود بود. عدم وجود حجم در این‌گونه آثار به عنوان مثال ترسیم هر دو چشم در صورتی که به حالت نیمرخ تصویر شده است از ویژگی‌های این نقاشی‌هاست. جایگزین شدن برگ نخل‌ها با کاغذ در هند غربی در اوایل قرن پانزدهم صورت گرفت. به تدریج استفاده از رنگ سبز، قلم‌موهای ظریف‌تر و دقیق‌تر به زیبایی کار آنها افزود و به جای اینکه همچون کارهای اولیه تنها خدایان و قدیسیان به تصویر درآیند طرح حیوانات، اشکال معماری، تزئینات بیشتر و دقیق‌تر نیز به این کارها افزوده شد. شکل عمودی در این تصویرها تقلیدی از سبک ایرانی این نمونه‌ها بود که به خصوص در مینیاتورهای راجپوت (Rajput) بسیار محسوس بود.

کومارا سوامی شیوه نقاشی هندویی را به دو سبک جداگانه تقسیم کرده است؛ راجستانی که متعلق به دشت‌های مرکزی است و پاهاری که به مناطق اطراف همالایا تعلق دارند.

ادبیات یکی از مهمترین الهامات نقاشی این مناطق بود. از جمله آثاری که به نقاشی‌های متعدد زینت یافته بود باگاواتا پورانا (Bhagavata Purana)، گیتا گویندا (Gita Govinda)، چوراپانچاسیکا (Chaurapanchasika)، راسیکاپریا (Rasikapriya) و باراماساس (Baramasas) می‌باشند، که شامل آثار مکتوب ادبی در کنار نقاشی است.

به تدریج تا سال‌های ۱۶۲۵ عناصر هند غربی از مینیاتور هندی محو گردید و دیگر مناطق این کشور نیز سبک‌های خاص خود را رونق و بسط دادند. اما متأسفانه در دوره مدرن در قرن نوزدهم، حتی هنر بومی اروپا نیز در این هنر نفوذ نمود و در نقاشی‌های معبد کالی Kali در کلکته نمونه‌هایی از آن را شاهد هستیم. این نقاشی‌های ساده کالیگات (Kalighat) با سرعت بسیار بر روی کاغذ ترسیم می‌شدند. هنرمندان کالیگات سبک خود را با سبک آبرنگ‌های انگلیسی تلفیق نمودند و به خلق نقاشی‌های حجم‌دار پرداختند و تصادفاً موضوعات و وقایع اروپایی را تصویر نمودند و این چیزی نبود جز قربانی شدن در فاجعه انقلاب صنعتی.



کتاب «حمزه نامه»، «آیین اکبری»، «خمسه امیر خسرو»، «اکبرنامه» و بسیاری کتب دیگر در این زمان به دست هنرمندان ایرانی مکتوب و مصور گردید. بنای بی‌نظیر تاج محل در آگرا در مقابل رود جمنا با مرمر سفید آن بنا را یکی از پرشکوه‌ترین و زیباترین بناهای دنیا ساخته است. کتیبه‌های اسلامی و طرح‌هایی از گل و نقوش تزئینی و هندسی بر روی سنگ‌ها و گنبد رفیع آن به عظمت این بنا افزوده است. بعد از مدتی در دوره اسلامی در دکن نقاشی پیشرفت بسیاری حاصل نمود. نخستین نمونه مینیاتور این منطقه «تعریف حسین شاهی» است که مضمونی شعرگونه دارد و در تاریخ ۱۵۵۳ - ۶۵ تصویر شده است. به تدریج مینیاتور و به طور کلی نقاشی در دکن دارای سبک خاصی گردید و از شهرت و عظمت بسیاری برخوردار شد، حتی نقاشی بر روی دیوار معابد این منطقه هم اکنون دارای ظرافت و زیبایی بسیاری

بخش دهم کتاب، معماری و نقاشی دوره اسلامی را شرح و بسط می‌دهد که در سال ۷۱۲ و از طریق دریا و توسط تاجران عرب و غاصبان دره سند به این کشور وارد شد. نخستین مسجد هند که محل تجمع مسلمانان می‌باشد در دهلی و در بنای یک معبد هندویی ساخته شد، مسجد «قوت الاسلام» دارای ستون‌های متعددی است و همچون دیگر مساجد در جهت قبله مسلمین یعنی مکه بنا شده است. آیات قرآن بر کتیبه‌های مساجد به خط نسخ است و تزئینات اطراف آن‌ها ریشه‌ای هند دارد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که این بناها تلفیقی از هنر اسلامی با هنر اصیل هندی است. نقاشی، سفالگری، ادبیات، معماری از جمله ابعاد هنری بودند که در این دوره از شکوه و عظمت خاصی برخوردار گشتند. همایون که یکی از شاهان مغول بود از هنرمندان زبردست ایرانی دعوت نمود تا در این کشور به تربیت شاگردان هنرمند بپردازند.